یادداشت روز

احیای امپراتوری عثمانی آرزوی دردسرساز اردوغان!

تحولات سوریه از کمی قبل از وقوع کودتای نافرجام ترکیه به این سو، دچار پیچیدگی‌های خاصی شده و رفته رفته نیز بر این پیچیدگی‌ها افزوده می‌شود. اکنون در سوریه بر خلاف قبل که غالبا دو جبهه «حامیان اسد» و «مخالفان اسد» با یکدیگر مواجه بودند، چندین جبهه همزمان در حال نبرد با یکدیگرند. برخی از این جبهه‌ها پیش از این چه بسا جزو دوستان هم نیز بودند.

مثلا پیش از این کردهای سوریه در کنار ارتش این کشور با تکفیری‌ها می‌جنگیدند و در برخی مواقع، این دو از حمایت‌های یکدیگر بهره می‌بردند. ماجرای آزادسازی کوبانی، شهر کردنشین سوریه به کمک «حامیان اسد»، تنها نتیجه یکی از این همکاری‌ها بود. اما مدتی است با افول تروریست‌های تکفیری، هوای تجزیه‌طلبی مجدداً به سر گروهی از کردهای تجزیه‌طلب زده و عده‌ای از آنها با ارتش سوریه و تروریست‌های داعش به طور همزمان می‌جنگند. یا مثلا آمریکا از یک طرف به ترکیه در جنگ با تروریست‌هایی که امنیت آنکارا را به خطر می‌اندازند، کمک می‌کند اما از طرف دیگر، از دشمن اصلی ترکیه یعنی کردهای سوریه علنا حمایت می‌کند. آمریکا حتی بعضا، علیه همین کردها نیز ورود می‌کند، مثل ماجرای جرابلس که آمریکا از پشت به کردها خنجر زد و آن را تقدیم ترکیه کرد. به این وضع، نزدیکی روسیه به ترکیه را نیز اضافه کنید. روسیه در جبهه «حامیان اسد» یعنی ایران و حزب‌الله قرار دارد اما هم مسکو و هم آنکارا اعلام می‌کنند روابط خود را در ماجرای سوریه بهبود بخشیده و در این مسئله، به یکدیگر نزدیک شده‌اند؛ این در حالی است که ترکیه در حال جنگ با بشار اسد یعنی دوست پوتین است! اما درباره این پیچیدگی‌ها گفتنی‌هایی هست:

۱- تاکید مکرر مقامات ترکیه بر لزوم تغییر در سیاست خارجی این کشور به ویژه در موضوع سوریه، برخی تحلیلگران را بر آن داشت تا با نیم نگاهی به مشارکت آمریکا در کودتای ترکیه و ناآرامی‌های بی‌سابقه‌ای که در نتیجه همان سیاست‌های غلط دامن این کشور را گرفته، به این نتیجه برسند که آنکارا با فاصله گرفتن از آمریکا به فکر تغییر در حوزه سیاست خارجی خود افتاده است. آشتی با بشار اسد، توقف حمایت‌ها از تروریست‌های تکفیری و غیرتکفیری و احترام به تمامیت ارضی سوریه، سه اقدام اساسی بود که هنوز این دسته از تحلیلگران انتظار دارند از سوی اردوغان به شکل عملی- نه فقط زبانی- اعمال شود. اما تجاوز نظامیان ترکیه به شهر جرابلس سوریه آن هم با حمایت‌های نظامی آمریکا و تروریست‌های ارتش آزاد، این تحلیل را که ترکیه دست از ماجراجویی‌های خود در سوریه برداشته، دستخوش تردید جدی کرده است. ترکیه پس از تجاوز به خاک سوریه هم اعلام کرده بر حفظ تمامیت ارضی سوریه تاکید دارد و در این اقدام(ورود به خاک سوریه) با روس‌ها هماهنگ است؛ اما مقامات دولتی سوریه ورود ترکیه به جرابلس را «تجاوز آشکار» به خاک خود می‌دانند و روس‌ها نیز گفتند پاسخشان به این تجاوز، نرم نخواهد بود تا بدین ترتیب خط بطلانی کشیده شود روی ادعاهای مقامات ترکیه.

۲- البته اینکه ترکیه در برخی حوزه‌ها تغییراتی اساسی و مهم داشته، غیرقابل انکار است. نزدیکی ترکیه به روسیه یکی از این تغییرات مهم است. نباید فراموش کرد منشا دشمنی ۷ ماهه میان ترکیه و روسیه همین بحران سوریه و سرنگونی سوخوی روس در خاک سوریه بود. مسکو یکی از متحدین سوریه است و به نوبه خود حمایت‌های بسیار زیاد و موثری از ارتش و دولت این کشور بجا آورده است. از طرفی سفر چهارشنبه گذشته جوبایدن به ترکیه اصولا، با هدف قانع کردن اردوغان برای فاصله نگرفتن از غرب به ویژه آمریکا و جلوگیری از نزدیک شدن این کشور به اسد صورت گرفته است (کریستین ساینس مانیتور) بنا بر این نمی‌توان گفت اردوغان در سیاست‌های خود هیچ تغییراتی اعمال نکرده است.

۳- با کنار هم قرار دادن دو مسئله فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که «احتمالا» اردوغان یک سیاست کج‌دار و مریز را در مواجهه با این تحولات اتخاذ کرده، سیاستی که از کنار آن هم بتواند از فواید نزدیکی به روسیه و ایران بهره ببرد هم شانس هرچند اندک بهره‌برداری از نزدیکی با غرب مثل عضویت در اتحادیه اروپا را از دست ندهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، ترکیه از تجاوز به جرابلس، شهر مرزی سوریه هم قصد دارد با از بین بردن داعشی‌هایی که هر از چند گاهی عملیات تروریستی در خاک ترکیه ترتیب می‌دهند، امنیت را به کشورش باز گرداند و هم با جایگزین کردن تروریست‌های ارتش آزاد که هدف راهبردی آنها، از بین بردن اسد، یکی از اصلی‌ترین بازوهای مقاومت است، فشارها به بشار اسد را همچنان نگه دارد آن هم با این توهم که، شانس بهره‌برداری از نزدیکی با غرب را از دست ندهد. عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیز در همین چارچوب یعنی بهره‌برداری از نزدیکی به غرب، قابل تحلیل است. کمک‌های ائتلاف به اصطلاح ضد داعش آمریکا به ترکیه در جرابلس نیز با توجه به اینکه قرار است «ارتش آزاد» جایگزین «داعش» شود، مطلوب آمریکایی‌ها هست.

۴- نکته بسیار مهم دیگر که نباید از آن غافل شد این است که، کار تروریست‌های تکفیری در سوریه (و حتی عراق) تقریبا رو به پایان است و این مسئله شاید تا حدودی مطلوب ترکیه زخم خورده از داعش باشد؛ اما قطعا مطلوب آمریکا و رژیم صهیونیستی نیست. تقریبا همه متفق‌القولند که اصلی‌ترین هدف از راه‌اندازی قائله داعش و تروریست‌های تکفیری، تجزیه کشورهای مستقل منطقه برای ضربه زدن به ایران و در نتیجه، ایجاد حاشیه امن برای رژیم صهیونیستی است. این هدف، چیزی نیست که آمریکایی‌ها بتوانند به راحتی از کنار آن بگذرند. نگاه آمریکا و رژیم صهیونیستی از این پس، آن است که اگر داعش قرار است از بین برود، هدفِ داعش نباید از بین برود. با همین نگاه، و با افول تروریست‌های تکفیری، سرمایه‌گذاری روی کردهای تجزیه‌طلب آغاز شده و سعودی‌ها نیز اعلام کرده‌اند، حاضرند روی اسب کردهای تجزیه‌طلب، سرمایه‌گذاری کنند. جایگزینی تکفیری‌های ضعیف شده با کردهای تجزیه‌طلب، تروریست‌های ارتش آزاد یا حتی جبهه النصره، کاری است که در سوریه به یک شکل و در عراق به شکلی دیگر دنبال می‌شود. ترکیه در جرابلس سوریه، در حال پیاده کردن همین سناریو است، یعنی جایگزین کردن داعش رو به موت با تروریست‌های ارتش آزاد، بدون اینکه متوجه باشد، فرق زیادی بین این دو نیست. فراموش نکنیم آن کودک ۱۱ ساله فلسطینی را گروه‌های مرتبط با همین ارتش آزاد سر بریدند.

۵- به نظر می‌رسد ترکیه اینجا نیز دچار اشتباه راهبردی شده است. زمان زیادی از کودتای اوباما در ترکیه نمی‌گذرد؛ کودتا در کشوری که از هیچ اقدامی در جهت منافع غرب و رژیم صهیونیستی مضایقه نکرده است. ترامپ همین دو روز پیش گفت که اسناد دخالت دولت اوباما در کودتای ترکیه را به زودی منتشر می‌کند. آمریکا در ماجرای جرابلس حتی به کردها هم خیانت کرد، چرا که تا روز سه‌شنبه یعنی یک روز قبل از حمله به این شهر کردنشین سوری، از کردها حمایت می‌کرد! ترکیه امروز باید فهمیده باشد که آمریکا دوست و دشمن نمی‌شناسد و هر جا منافعش اقتضا کند، نزدیکترین متحدانش را قربانی می‌کند بنابراین چاره کار، نزدیکی به این کشور نیست. به نظر می‌رسد وسوسه احیای امپراتوری عثمانی مجددا به سراغ اردوغان آمده و وی قصد دارد با آگاهی از ماهیت ذاتی آمریکا، مجددا به همان راه شکست خورده و خسارت‌آفرین قبل بازگردد؛ غافل از اینکه حتی راه احیای امپراتوری اردوغان نیز فاصله گرفتن از آمریکاست!

جعفر بلوری

در پاسخ به ادعاهای جان کری

ظریف: آمریکا شریک جنایات جنگی رژیم سعودی در یمن است

ظریف در واکنش به اظهارات وزیر خارجه آمریکا گفت: دولت ایالات متحده با بیان این اظهارات، خود را در جنایات جنگی، ضدانسانی و کودک‌کش رژیم سعودی علیه مردم بی‌گناه و مظلوم یمن شریک کرده است.

محمد جواد ظریف به سخنان جان کری وزیر امور خارجه آمریکا که ایران را متهم به ارسال تجهیزات نظامی به یمن کرده بود پاسخ داد.

ظریف ضمن تکذیب اتهامات بی‌پایه و اساس آمریکا پیرامون متهم نمودن ایران به ارسال تسلیحات نظامی به یمن گفت: دولت ایالات متحده با بیان این اظهارات، خود را در جنایات جنگی، ضدانسانی و کودک‌کش رژیم سعودی علیه مردم بی‌گناه و مظلوم یمن شریک کرده است و بی‌شک با پذیرش این مسئولیت باید پاسخگوی تمامی این جنایات ضدبشری باشد.

وی در ادامه افزود: بی‌تردید آقای کری به‌خوبی بهتر از دیگران می‌داند که دولت سعودی در یک سال و نیم گذشته همواره و به‌جد، تمامی تلاش‌های به عمل آمده برای برقراری آتش‌بس در یمن را با شکست مواجه کرده و ناکام گذاشته است. وی ضمن مردود دانستن اظهارات وزیر خارجه آمریکا در خصوص تهدیدات ایران گفت: زمان آن فرا رسیده است که دولت آمریکا از اشتباهات فاحش قبلی خود در سوریه و عراق عبرت گرفته و چشمان خود را بر واقعیات و حقایق موجود باز کند.

وزیر امور خارجه همچنین تأکید کرد: همان‌گونه که بارها توسط جمهوری اسلامی ایران اعلام گردیده است، توان نظامی ایران هیچ‌گاه تهدیدی برای هیچ یک از کشورها نبوده و صرفاً جنبه دفاعی دارد.

به گزارش تسنیم، ظریف خاطرنشان ساخت آنچه منطقه و جهان را امروز مورد تهدید قرار داده است مبانی فکری و منابع مالی و سیاسی تروریسم تکفیری در جهان است که آقای کری به‌خوبی باید از منشأ و علل آن آگاه باشد. بی‌تردید دولت آمریکا با حمایت‌های خود و چشم‌پوشی و بی‌توجهی به واقعیات موجود بر بی‌اعتباری سیاست‌هایش در منطقه بیش از پیش می‌افزاید.

فارین پالیسی:

عربستان برای ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی هر کاری توانسته کرده است

مجله فارین پالیسی در یادداشتی تاکید کرد از زمان به تخت نشستن ملک سلمان‌بن عبدالعزیز در سال ۲۰۱۵ سعودی‌ها مدیریت امورشان را در دست خود گرفته‌اند و یک موضع امنیت ملی جسورانه‌تر، پرخطر، و حتی تحریک‌آمیز اتخاذ نموده‌اند که رسالت آن صرفاً به چالش کشیدن و مقابله همه‌جانبه با ایران است.

مجله فارین پالیسی در مقاله‌ای به‌قلم «جان هانا»- تحلیلگر ارشد اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی- به بررسی عملکرد عربستان برای مقابله با ایران پس از به تخت نشستن ملک سلمان پرداخت.

تحلیلگر ارشد اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی اظهار داشته است تشدید رویارویی میان عربستان و ایران از جمله تحولات روی داده پس از حصول برجام است که اگرچه کمتر مورد توجه قرار گرفته اما پیامدهای بالقوه آن برای امنیت منطقه کمتر از پیامدهای خود برجام نیست. این رویداد چندان هم غیرمنتظره نبود. بسیاری از تحلیلگران هشدار داده بودند که سعودی‌ها چندان روی خوشی به توافق هسته‌ای میان آمریکا و ایران نشان نخواهند داد. مذاکرات هسته‌ای که بدون توجه به عربستان انجام گرفت منجر به آن شد که دشمن قسم‌خورده این کشور در آن سوی خلیج فارس که تحت رهبری یک روحانی شیعه قرار دارد از یک زیرساخت هسته‌ای بزرگ، صدها میلیارد پول در قالب رفع تحریم‌ها، و یک عرصه تاخت‌وتاز کم و بیش گشوده جهت کسب سلطه در منطقه برخوردار شود. سعودی‌ها ناگزیر چنین چیزی را به‌مثابه فاصله‌گرفتن آمریکا از نقش تاریخی خود به‌عنوان حافظ امنیت خلیج فارس و نوعی امتیاز جدید برای ایران تعبیر خواهند نمود، امری که خطر تغییر برگشت‌ناپذیر موازنه قوا در منطقه به‌نفع ایران را مطرح می‌سازد.

تحلیلگر ارشد اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی خاطرنشان می‌کند لازم به ذکر است که سعودی‌ها در این زمینه دیدگاه متفاوتی دارند. عربستان شاهد آن است که ایران به‌تازگی توانمندتر شده و نقش آمریکا در حال کمرنگ شدن است، اما در مواجهه با چنین امری نه‌تنها پا پس نکشیده بلکه دست به اقدامات متقابل زده است. عربستان بر این باور است که سیاست‌های اوباما عمداً موجب شکل‌گیری یک خلأ خطرناک در منطقه شده‌اند و این خلأ عمدتاً توسط ایران پر شده است، ایرانی که به‌دنبال آن است تا بذر آشوب و ویرانی بکارد و در نهایت سقوط آل‌سعود را رقم بزند. سعودی‌ها دیگر نمی‌توانند به «صلح آمریکایی» تکیه کنند و دوست ندارند یک گوشه بنشینند و شاهد آن باشند که روحانیون حلقه طناب را دور گردن آنها سفت‌تر می‌کنند، به همین خاطر آنها به‌ویژه از زمان به تخت نشستن ملک سلمان‌بن عبدالعزیز در سال ۲۰۱۵ مدیریت امور را در دست خود گرفته‌اند و یک موضع امنیت ملی جسورانه‌تر، پرخطر و حتی تحریک‌آمیز اتخاذ نموده‌اند که رسالت آن صرفاً به چالش کشیدن و مقابله همه‌جانبه با ایران است.

در قسمتی دیگر از این یاداشت تصریح شده است همچنین سعودی‌ها دست به زورآزمایی اقتصادی با ایران زدند. در نشست کشورهای عمده صادر کننده نفت در قطر، عربستان مانع حصول توافق بر سر کاهش تولید نفت شد، توافقی که قرار بود به افزایش قیمت نفت خام بینجامد و اقتصاد وخیم چند کشور تولیدکننده نفت از جمله ایران را بهبود بخشد. در آخرین لحظه عربستان بر این نکته پافشاری کرد که اگر ایران در طرح کاهش تولید شرکت نکند توافقی شکل نخواهد گرفت، ایرانی‌ها چنین چیزی را قبول نداشتند و بارها به‌وضوح گفته بودند که پس از خلاصی از تحریم‌های فلج‌کننده به افزایش تولید خود ادامه خواهند داد تا آنکه به سقف تولید قبل از تحریم که ۴ میلیون بشکه در روز بود برسند. هیچ‌کس شک نداشت که هدف از تصمیم عربستان مبنی بر پایین نگه داشتن قیمت‌ها ضربه زدن به روند بهبود اقتصادی ایران در دوران پس از برجام بود.

به گزارش تسنیم، تحلیلگر ارشد اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی در پایان تاکید می‌کند فائق آمدن بر بی‌اعتمادی موجود در روابط میان آمریکا و عربستان که به‌واسطه برجام به اوج خود رسید شاید کاری سخت و دشوار باشد، اما تلاش جهت تأمین منافع حیاتی آمریکا در خاورمیانه‌ای که در آن عربستان تنها و درمانده به حال خود رها شده حتی از این هم دشوارتر خواهد بود.

خبر ویژه

روزنامه‌هایی که «لااله» را تیتر زدند و «الاالله» را حذف کردند!

چند روزنامه شبه‌اصلاح‌طلب با تقطیع بیانات رهبر معظم انقلاب، تیترهای خود درباره سخنان معظم‌له را به نحوی زدند که متضمن تحریف است.

تیتر روزنامه‌های مورد اشاره از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیئت دولت به این شرح است:

- شهروند: طرفدار فشار و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.
- آرمان: طرفدار جزم‌اندیشی و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.
- اعتماد: طرفدار فشار و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.
- وقایع اتفاقیه: طرفدار جزم‌اندیشی و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.
- فرهیختگان: طرفدار جزم‌اندیشی و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.
- اطلاعات: طرفدار جزم‌اندیشی، فشار و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.
- آفتاب یزد: طرفدار جزم‌اندیشی، فشار و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم.

این روزنامه‌ها در واقع مقدمه سخنان رهبری در حوزه فرهنگ را تیتر کرده نتیجه و ادامه این استدلال را در تیتر سانسور نموده‌اند حال آن که آن مقدمه برای گفتن مطلبی مهم بوده است. به عبارت دیگر این روزنامه‌ها از عبارت واحد «لااله الاالله» فقط «لااله... خدایی نیست» را تیتر کرده‌اند!!

اصل بیانات رهبر معظم انقلاب در این بخش ناظر به مذمت لاابالیگری فرهنگی و دادن مجال فعالیت و نفوذ به دشمن است.

«بنده طرفدار جزم‌اندیشی، فشار و اختناق در عرصه فرهنگ نیستم بلکه به آزاداندیشی اعتقاد راسخ دارم اما آزاداندیشی به معنای ولنگاری و اجازه دادن به دشمن برای لطمه زدن نیست... آیا نباید مسئولان فرهنگی، آن کسی را که عمرش را در خدمت به دین و انقلاب اسلامی گذرانده به فردی که در تمام عمر خود قدمی در راه دین و انقلاب برنداشته و حتی گاهی ضربه نیز زده است، ترجیح بدهند؟»

از سوی دیگر بیانات رهبر معظم انقلاب، اشارات مهمی درباره لزوم مشغول نشدن دولت به سرگرمی‌های سیاسی و انتخاباتی، اولویت بخشیدن به اقتصاد به عنوان مسئله اول کشور، لزوم پاسخگویی به سؤالات به‌حق مردم درباره حقوق‌های نامشروع نجومی و عبور نکردن از آن، عبرت‌آموزی از بدحسابی آمریکا در برجام، و اقدام و عمل در گشودن گره‌های اقتصادی به عنوان بهترین تبلیغ برای دولت داشت. اما روزنامه‌های یاد شده ترجیح داده‌اند همان عبارت تقطیع شده را تیتر کنند!

ضربه دردناک آزادسازی «داریا» به گروه‌های تروریستی در سوریه

آزادی شهر داریا پس از ۴ سال در سوریه، جایزه‌ای برای ارتش و ضربه‌ای دردناک برای گروه‌های مسلح معارض است.

روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی به بررسی اهمیت آزادسازی شهر داریا در سوریه و خروج عناصر مسلح از این شهر پرداخت و نوشت: شهر داریا، پس از چهار سال محاصره، سرانجام به دست نیروهای دولت سوریه افتاد. عناصر مسلح با تحویل دادن سلاح‌های خود به دولت سوریه و خروج از این شهر موافقت کردند.

روزنامه گاردین تسلیم شدن گروه‌های مسلح در شهر داریا در منطقه غوطه غربی شهر دمشق را «ضربه‌ای بسیار دردناک برای مخالفان مسلح و روحیه آنها» دانست و تصریح کرد: آزادسازی داریا، به مثابه جایزه‌ای برای نیروهای ارتش سوریه به شمار می‌رود.

گاردین درباره اهمیت شهر داریا نوشت: داریا به عنوان نماد مخالفان مسلح به شمار می‌رفت.

دولت سوریه و گروه‌های مسلح در شهر داریا به توافقی دست یافتند که بر اساس آن، ۷۰۰ عنصر مسلح سلاح‌های سبک و نیمه سنگین و سنگین خود را به ارتش سوریه تحویل و از این شهر به سمت شهر ادلب در شمال غربی سوریه می‌روند تا زمینه ورود نیروهای ارتش سوریه به شهر داریا و تامین امنیت آن فراهم شود.

ارگان کارگزاران: ادعای رشد با واقعیت‌های اقتصادی ناهمخوان است

ارگان رسانه‌ای کارگزاران هم ادعای رشد اقتصادی در دوره غلبه رکود را محل تردید معرفی کرد:

هفته‌نامه صدا از قول سید حامد واحدی عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی تهران نوشت: در هفته گذشته رئیس دولت یازدهم دکتر روحانی در سخنرانی خود رشد اقتصادی ۴/۴ درصدی را برای سه ماهه اول سال جاری اعلام کرد و پس از آن، مرکز ملی آمار گزارشی را درباره جزئیات رشد اقتصادی و سهم بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات منتشر کرد. هرچند براساس این گزارش و اظهارنظر رئیس جمهور در سه ماهه اول سال ۹۵ به رشد اقتصادی ۴ درصدی رسیده‌ایم اما هیچ یک از کارآفرینان به طور عام این رشد را در فضای اقتصادی کشور حس نمی‌کنند. به جرأت می‌توان گفت که رشد محسوس در فضای کسب و کار کشور یک درصد هم نیست. کارآفرینان نمی‌دانند که آیا از رکود خارج شده‌اند یا خیر و این در حالی است که چند روز پس از اعلام آمار رشد اقتصادی به طور مداوم اظهار نظرهای مسئولان از خروج اقتصاد ایران از رکود حکایت می‌کند.

در ادامه سؤال کارآفرینان و فعالان اقتصادی این است که اگر از رکود اقتصادی به مدعای مسئولان خارج شده‌ایم، پس چرا همچنان با فوجی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مواجهیم که فرصت استفاده از تخصصشان را در بنگاه‌های اقتصادی ندارند و چرا کارخانه‌ها و بنگاه‌های صنعتی و تولیدی با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد کار می‌کنند و چرا شهرک‌های صنعتی به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده‌اند؟

همچنین احمد کیمیایی اسدی دیگر عضو اتاق تهران گفته است: رشد ۴/۴ درصدی و سهم صنعت از این میزان رشد با واقعیت‌های فضای کسب و کار و تولید کشور تطابق ندارد و فعالان اقتصادی چه در بخش صنعت و چه در بخش کشاورزی با دیده تردید به این میزان رشد نگاه می‌کنند و آن را با فضای اقتصادی کشور مطابق نمی‌دانند.

مهدی معصومی عضو اتاق بازرگانی تهران نیز معتقد است: در صنایع کوچک و متوسط به واقع اتفاق خاصی نیفتاده است و نسبت به تحولات این بخش در سال آینده خوش‌بین نیستیم. آمارهای ارائه شده از رشد اقتصادی بیشتر ناشی از صنایع کلان مثل نفت و پتروشیمی است. من حتی نسبت به تصویب اعطای تسهیلات ۱۶ هزار میلیارد تومانی به صنایع کوچک و متوسط و اثرگذاری آن در پایان رکود صنایع کوچک خوش‌بین نیستم.

پدرام سلطانی نایب رئیس اتاق تهران هم با غیرقابل لمس دانستن آمار رشد ادعایی معتقد است: یکی از ایرادات اساسی که می‌توان به عملکرد اقتصادی دولت یازدهم وارد کرد، بی‌توجهی آن به ساماندهی فضای کسب و کار است. این دولت باید در زمان طلیعه اولیه تفاهم ایران با کشورهای ۱+۵ در اجلاس لوزان حرکت را برای ساماندهی جدی بهبود محیط کسب و کار در داخل کشور آغاز می‌کرد.

برآوردها نشان می‌دهد که در اختلالات محیط کسب و کار ایران، وزن مشکلات ناشی از تحریم‌های بین‌المللی ۴۰ درصد از کل مشکلات بوده است. تحریم به تنهایی عامل بزرگی در مشکلات محیط کسب و کار ما بود اما از کل عوامل سهم ۴۰ درصدی داشت و ۶۰ درصد مشکلات به عوامل جزیی‌تری در محیط داخلی کسب و کار باز می‌گردد و ناشی از اثرات تحریم‌های بین‌المللی نیست. دولت از این عوامل غفلت کرده است و وزارت‌خانه‌های اقتصادی جدیت لازم را در ساماندهی فضای کسب و کار به خرج ندادند.

وی با طرح این سؤال که «آیا می‌توان به رشد اقتصادی رسید که خارج از دایره اعداد و ارقام، علامت واقعی خروج اقتصاد کشور از رکود باشد و برای فعالان اقتصادی قابل لمس و محسوس به نظر برسد؟» نوشت: فعالان اقتصادی به رشد ۴/۴ درصدی اعلام شده برای سه ماه اول سال جاری با دیده تردید نگاه کنند.

وقت انجام وعده‌هاست نه صحبت‌های شورانگیز

«اکنون زمان انجام وعده‌هاست نه صحبت‌های شورانگیز»

جمیله کدیور همسر عطاءالله مهاجرانی با اشاره به سخنان اخیر روحانی درباره کنسرت نوشت: به عنوان کسی که به آقای روحانی رای داده و در حد بضاعت محدود خود برای انتخاب‌شدنش در شرایطی که بسیاری بذر نا امیدی می‌پاشیدند، تلاش کرده و در عین حال دیدگاه انتقادی خود را پس از انتخاب وی حفظ کرده، معتقدم صحبت‌های ایشان در جمع پزشکان به مناسبت روز پزشک، اگر چه از جهت دفاع از موسیقی و انتقاد از خودسری‌های جماعتی که برای خود قانون وضع می‌کنند و مردم را از شنیدن موسیقی منع می‌کنند، مهم و قابل توجه بود و هست؛ ولی انتقاد از وزیر کابینه خود در جمعی عمومی را قابل دفاع نمی‌دانم. بر این باورم که اگر انتقادی به مواضع و صحبت‌های آقای جنتی وارد بود (که هست)، جای چنین سخنانی در هیئت دولت یا نشست خصوصی است، نه در اجتماعی عمومی شامل پزشکان که تلقی سخنرانی انتخاباتی از آن بشود.

وی می‌افزاید: به نظرم زمان، زمان صحبت‌های شورانگیز نیست، هنگام انجام برخی وعده‌هایی است که در انتخابات داده شده و مردم منتظر تحقق آنها هستند.

مجادله ترکان و نعمت‌زاده ادامه نامه اعتراضی ۴ وزیر است

یک روزنامه اصلاح‌طلب نوشت دولت روحانی در آخرین سال خود دچار زخم از درون شده است.

وقایع اتفاقیه با بیان اینکه «اگر دولت را مجموعه‌ای بدانیم که قرار است در کنار هم، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را معطوف به اهداف مشخص اجرا کنند. کابینه یازدهم در برخی از حوزه‌ها، کارنامه قابل قبولی ندارد» نوشت: انتقادات اخیر اکبر ترکان از وزیر صنعت و معدن هم نشانه‌هایی از ناهمسویی کاروان تدبیر و امید در مسیر برنامه‌های دولت دارد تا زمزمه‌های اختلافات در تیم اقتصادی دولت، دوباره بر سر زبان‌ها بیفتد؛ اختلافاتی که سال گذشته هم با نامه مشترک چهار وزیر به رئیس‌جمهوری عیان شد. سال گذشته وزرای اقتصاد، صنعت، کار و دفاع در نامه‌ای به حسن روحانی، خواستار آن شده بودند تا تصمیم ضرب‌الاجل اقتصادی برای خروج از رکود بگیرد.

در چالش فیش‌های حقوقی هم دولت در ابتدا نتوانست آن‌گونه که باید از جایگاه خودش دفاع کند، اگرچه حسن روحانی، خودش با قاطعیت در این مسئله ورود پیدا کرد اما بعد از کنار گذاشتن صفدر حسینی از صندوق توسعه ملی، اظهارات محمدباقر نوبخت، سخنگوی دولت، در دفاع از او چالش جدیدی را در رسانه‌های مخالف دولت به همراه داشت.

عبدالله ناصری قبلا به «وقایع اتفاقیه» گفته بود: «در واقع، سخنگویی دولت در اختیار کسی است که یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های دولت یعنی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را برعهده داشت و در واقع، سخنگویی عملا کار دست چندم ایشان تعریف می‌شود، ضمن اینکه ساختاری برای مسئولیت سخنگویی تعریف نشده است.

چراغ سبز به مصرف بی‌رویه و قاچاق با حذف کارت سوخت

اقدام وزارت نفت در حذف کارت سوخت با اعتراض و انتقاد کارشناسان مواجه شده است.

مجلس روز چهارشنبه بنابر درخواست وزارت نفت، کارت سوخت را حذف کرد. محمود خاقانی کارشناس اقتصاد انرژی درباره این اتفاق به روزنامه فرهیختگان گفت: ای کاش کارت‌های سوخت فعال بود. هنوز متوجه نشدیم که چرا وزارت نفت و نمایندگان مجلس رأی به حذف این کارت‌ها دادند. فعال بودن کارت سوخت این امتیاز را داشت که خودروها چه زمانی و چقدر مصرف می‌کنند. هر زمان و به هر دلیلی اقتصاد کشور نیاز داشت درباره فرآورده‌های نفتی یک سیاست اقتصادی را در جایی مطرح کند، کارت سوخت کار را آسان می‌کرد. با این حال وزارت نفت باید مردم و کارشناسان را قانع کند که به چه دلیل کارت سوخت را حذف کرده است، در غیر این صورت از میدان به در کردن کارت‌ها از گردونه صنعت معاملات انرژی می‌تواند سودهای کلانی را نصیب قاچاقچیان کند.

همچنین سیدعلی ادیانی‌راد نایب رئیس دوم کمیسیون انرژی در روزنامه جام جم نوشت: سامانه هوشمند کارت سوخت یک پروژه مهم ملی بود که لازم است در حفاظت و نگهداری از آن دقت بیشتری داشته باشیم چون این سامانه کاربردهای بسیاری در بحث آمارهای موردنیاز کلان کشور دارد. کاهش زمینه شفاف مصرف سوخت، دومین اثر حذف کارت سوخت است که از این پس تنها سامانه‌ای که توان اعلام آمار از مصرف سوخت را در اختیار داشت، دیگر نخواهیم داشت و همین امر می‌تواند زمینه اخلال در برنامه‌ریزی‌های تأمین سوخت مورد نیاز کشور و همچنین ذخیره‌سازی منابع استراتژیک بنزین را فراهم کند.

وی می‌افزاید: از این پس قاچاق قابل رصد نیست، به این ترتیب که دیگر مسئولان امکان رصد محل بارگیری و همچنین میزان خروج سوخت از کشور را نخواهند داشت، چون همواره بر این باوریم که سوخت داخل کشور مصرف شده است.

حسن بهرام‌نیا عضو کمیسیون انرژی مجلس هم معتقد است: حذف کارت سوخت، چراغ سبز به قاچاق بود. با استفاده از کارت‌های سوخت می‌توانستیم میزان تولید، مصرف و حتی قاچاق را محاسبه کنیم، اما در حوادث غیرمترقبه قطعاً با مشکلاتی روبه‌رو خواهیم شد و مصرف افزایش چشمگیری خواهد داشت.

این نماینده مجلس گفت: این که عنوان می‌شود انگیزه قاچاق سوخت کم شده این طور نیست به این دلیل که قیمت بنزین در ایران هزار تومان و در کشور ترکیه حدود ۶۰۰۰ تومان است در نتیجه همچنان این انگیزه وجود دارد و باید کارت سوخت مورداستفاده قرار بگیرد.

وی تأکید کرد: نباید پروژه‌ای که میلیاردها از پول بیت‌المال برای کشور خرج شده را به راحتی کنار بگذاریم.

گفت و شنود

تیراندازی!

گفت: شورای عالی انقلاب فرهنگی روز ۲۳ تیرماه را به عنوان روز «گفت‌وگو و تعامل سازنده با جهان» ثبت و اعلام کرده است!

گفتم: روز ۲۳ تیرماه باید به عنوان روز خروش حماسی مردم علیه فتنه آمریکایی ۷۸ که ۱۰ سال قبل از فتنه آمریکایی- اسرائیلی ۸۸ صورت پذیرفت ثبت شود.

گفت: شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید چون روز ۲۳ تیرماه، روز توافق هسته‌ای بوده است باید این روز را روز «گفت‌وگو و تعامل سازنده با جهان» نامید!

گفتم: روز ۲۳ تیرماه ۷۸ مردم با خروش حماسی خود بساط یک فتنه آمریکایی را برچیدند و برای کشور افتخار آفریدند ولی مذاکره و توافق هسته‌ای به قول خود آقایان نتیجه‌ای نداشته و دستاورد آن تقریبا هیچ بوده است.

گفت: شاید منظور شورای عالی انقلاب فرهنگی، عبرت گرفتن از روز توافق هسته‌ای است تا دیگر تکرار نشود!

گفتم: چه عرض کنم؟! سرگروهبان در میدان تیر به سربازی که تیرهایش به نزدیک هدف اصابت کرده بود به شدت اعتراض کرد و تفنگ را از دست او گرفت و گفت؛ حالا من شلیک می‌کنم و تو یاد بگیر، ولی هیچ‌یک از تیرهایش حتی به صفحه سیبل هم اصابت نکرد. سپس تفنگ را به سرباز داد و گفت؛ حالا درس گرفتی؟ تو این‌طوری شلیک می‌کردی!

پنتاگون اذعان کرد

فرار ناوشکن آمریکایی در پی رهگیری از سوی قایق‌های ایرانی

یک مقام پنتاگون بامداد پنجشنبه مدعی شد چهار قایق ایرانی یک فروند ناوشکن آمریکایی را رهگیری کرده‌اند ناوشکن آمریکایی برای فاصله گرفتن از قایق‌های ایرانی مجبور به تغییر مسیر شد.

یک مقام پنتاگون بامداد پنجشنبه (به وقت تهران) ادعا کرد چهار قایق نظامی ایران با سرعت زیاد به یک فروند ناوشکن آمریکایی در مجاورت تنگه هرمز نزدیک شدند.

وی مدعی شده دو فروند از چهار قایق ایرانی به فاصله حدود ۳۰۰ یاردی (حدود ۲۷۵ متر) از ناوشکن «یواس‌اس نیتز» رسیدند.

این اتفاق، بنا به گفته این مقام پنتاگون که نخواسته نامش فاش شود، روز سه‌شنبه ۲۳ آگوست در مجاورت تنگه هرمز رخ داد. وی اقدام قایق‌های ایرانی را «غیرامن و غیرحرفه‌ای» توصیف کرد.

به گزارش فارس مقام آمریکایی گفت: «نزدیک شدن (قایق‌های ایران) با سرعت بالا، باعث ایجاد وضعیت خطرناک و آزاردهنده‌ای شد که ممکن بود به تشدید درگیری‌ها و لزوم اقدام دفاعی ‹یواس‌اس نیتز› منجر شود.»

بنابر اعلام همین مقام ارتش آمریکا، ۲ فروند از این قایق‌ها تا فاصله ۲۷۰ متری به ناو نزدیک شدند و با وجود اینکه چندین بار به آنها هشدار دادیم که به ناو نزدیک نشوند، اما باز هم به ناو نزدیک شده و تا فاصله ۲۷۰ متری که می‌رسیدند، دور میزدند.

آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند که فرماندهان سپاه پاسداران به تحرکات ارتش آمریکا در خط مرزی آب‌های ایران، حساس است و به هر فعالیت ارتش آمریکا در این خط سریعاً واکنش نشان می‌دهد.

بقیه در صفحه ۱۰

کیهان و خوانندگان

**۳۳۱۱۰۰۶۵